

تبیین علت‌های چهارگانه انقلاب متعالی (مطلوب) از منظر قرآن کریم

مصطفی رستمی^۱

چکیده

انقلاب به مثابه تغییر ساختار اجتماعی و سیاسی در جوامع بشری همواره از موضوعات کلیدی عرصه اجتماع بوده و مکاتب مختلف، سعی در تبیین این پدیده مهم دارند. انقلاب‌ها دارای علت‌هایی برای وقوع هستند و به همین منظور، مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی- توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای مترصد کنکاش در علت انقلاب از منظر قرآن می‌باشد و به این سؤال پاسخ خواهد داد: علت اربعه انقلاب متعالی از منظر قرآن کریم کدامند؟ فرضیه اصلی حاکی از این است که علل وقوع انقلاب‌ها در قرآن کریم، چهار علت فاعلی، صوری، مادی و غایی می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند: انقلاب‌ها از منظر علل مادی به قوانین حاکم بر جامعه اشاره دارند و دگرگونی اجتماعی در گرو تحول درونی مردم است و به همین دلیل، توحید و ایمان به الله منجر به عدم تبعیت از طاغوت می‌شود. لاجرم، آموزه‌های قرآن دارای منطق مقابله و مبارزه با رژیم‌های نامشروع است. از منظر علت‌های صوری، سطوح و مراتب انقلاب قرآنی مدنظر می‌باشد که مبتنی بر سه سطح: انقلاب درونی (جهاد اکبر)، انقلاب معرفتی (جهاد کبیر) و انقلاب جهادی (جهاد اصغر) است و براساس اصل قرآنی «امر به معروف و نهی از منکر»، امت اسلامی باید مترصد زمینه‌سازی برای انقلاب اجتماعی علیه فساد، طرح علنی مطالبات در برابر طاغوت و اقدام عملی برای ریشه‌کنی نظام فاسد باشد. از منظر علل فاعلی انقلاب قرآنی، اقدام رهبران دینی و امت اسلامی می‌تواند منجر به رشد و تعالی جامعه و قرار گرفتن در صراط مستقیم شود. در خصوص علت غایی باید اذعان شود که حیات طیبه، فرجام انقلاب متعالی و قرآنی خواهد بود.

کلید واژه‌ها: انقلاب متعالی، قرآن کریم، علت‌های اربعه، امر به معروف و نهی از منکر، حیات طیبه، طاغوت، انقلاب اجتماعی.

مقدمه

نظام سیاسی و تغییر در ساختار اجتماعی از موضوعات مهم سیاسی و اجتماعی است که در تاریخ بشر از اهمیت فراوانی برخوردار است و از زمان اولین اندیشمندان مشهور نظیر ارسطو و افلاطون تا زمان حاضر، نظریه‌های مختلفی درباره علل، عوامل و اهداف انقلاب مطرح شده است. این موضوع در حالی است که از جمله مباحث اساسی در قرآن کریم، موضوعات سیاسی و اجتماعی و تغییر و تحولاتی است که در اجتماع روی می‌دهد. در قرآن از سنت‌های تاریخی سخن به میان آمده است که برخی از این تغییرات که در تاریخ حیات بشر تداوم داشته است، از این سنن است (نک: صدر، ۱۳۸۰). در خصوص تحول در نظام سیاسی از منظر ادیان، مکاتب و اندیشه‌های مختلف نیز دیدگاه‌ها و متون فراوانی به رشته تحریر در آمده است و دامنه این بحث، علاوه بر علوم اجتماعی و سیاسی، در علوم اسلامی مانند کلام و فقه هم بازتاب داشته است تا جایی که دیدگاه‌های متفاوتی را بین فرق اسلامی موجب شده است. موضوع «انقلاب» به‌عنوان تلاش برای براندازی نظام سیاسی حاکم از طریق قیام عمومی، از جمله موضوعات مورد مناقشه در میان فرق اسلامی است. بر این اساس، بررسی موضوع انقلاب در میان آیات قرآن کریم، از موضوعات مهم و درخور توجه برای پژوهش است. براساس آیات قرآن کریم، رهبری اسلامی هدفی جز استمرار فرایند دگرگون‌سازی و انقلاب در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فکری برای ایجاد جامعه اسلامی ندارد (صدر، ۱۳۸۱: ۱۱۵) و البته این انقلاب‌ها می‌توانند مادی یا معنوی (روحی) باشد (مطهری، ۱۳۷۸، جلد ۱۲: ۴۲۵). بنابراین بررسی علل و ماهیت انقلاب عنوان یک پدیده اجتماعی ضرورت دارد و به تعبیر مطهری؛ «ما باید انقلاب خودمان را بشناسیم و بشکافیم و همه جنبه‌هایش را در نظر بگیریم. با شکافتن و شناختن این انقلاب است که امکان نگهداری و حفظ آن و امکان تداوم بخشیدن به آن پیدا خواهد شد» (مطهری، ۱۳۷۷، جلد ۲۴: ۱۳۹). یکی از بسترهای مطالعه و شناخت انقلاب، تبیین علت‌های وقوع و شکل‌گیری انقلاب از منظر قرآن می‌باشد که با وجود اهمیت آن، پژوهش و آثار اندکی در زمینه تبیین همه جانبه علت‌های انقلاب منتشر شده است و با توجه به این کاستی، مقاله حاضر تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که؛ علل اربعه انقلاب متعالی از منظر قرآن کریم کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال، از روش تحلیلی- توصیفی بهره گرفته شده است و سعی بر این می‌باشد که با رجوع به آیات قرآن کریم و کتب فقهی و کلامی شیعه، علت‌های چهارگانه مادی، صوری، فاعلی و غایی انقلاب را تحلیل نمائیم.

چهارچوب مفهومی و نظری

معنا و مفهوم انقلاب

از منظر لغوی، انقلاب به معنای حالی به حالی شدن، تحول، دگرگون شدن، تقلب، تغییر کامل، چرخش دورانی و غیره می‌باشد (رستمی، ۱۳۹۴: ۲۳). از منظر اصطلاحی، انقلاب نوعی تحول است که باعث دگرگونی بنیادین در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... جامعه می‌شود و در یک نگاه می‌توان در زمینه نظریه‌پردازی انقلاب، دو دیدگاه کلان بین متفکرین علوم اجتماعی را از یکدیگر تفکیک کرد. دیدگاه نخست

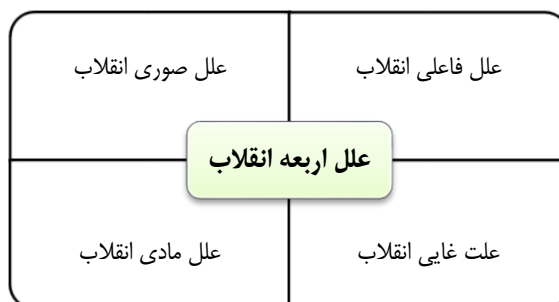
مربوط به مکتب کارکردگرایی و نویسندگانی از قبل چالمزجانسون و پارسونز است؛ و نظر دوم مربوط به مارکسیست‌های انقلابی از قبیل مارکس، لنین، تروتسکی و گرامشی است. اما مفهوم انقلاب در مکتب اسلام و فلسفه سیاسی شیعه، با واژگان و اصطلاحاتی یاد می‌شود که در تاریخ شیعه نمونه‌هایی از این گونه قیام‌ها ثبت شده است (زمزم، ۱۳۸۱: ۱۰۸ و زمزم، ۱۳۹۱: ۶). محمدباقر صدر تأکید دارد که «انقلاب عبارت است از نهضتی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معین که با درک دقیق واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی عمیق و بنیادین در کلیه ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های ریشه‌ای حاکم است» (جمشیدی و ایران نژاد، ۱۳۹۱: ۹۶). در کتاب آینده انقلاب اسلامی آمده است: «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان که مردمی علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضع دیگر. پس ریشه انقلاب دو چیز است: یکی نارضایی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب» (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۹).

سیدمحمد حسینی بهشتی تأکید دارد که انقلاب برای حاکمیت ارزش‌های متعالی و مبارزه با نفی ضد ارزش‌ها می‌باشد که سال‌ها و قرن‌ها بر زندگی مردم، بر اخلاق مردم، بر روابط مردم، در زندگی خصوصی و خانوادگی، اجتماعی، اداری، سیاسی، اقتصادی مردم حاکم بوده است و «انقلاب برای این است که ضد ارزش‌ها را از حاکمیت بپندازد و ارزش‌های اصیل متعالی و الهی و نور را به جای ظلمات حاکم کند» (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۱۲-۱۱۱). امام خمینی (ره) اعتقاد دارند «انقلاب‌هایی که در دنیا واقع می‌شوند دو جور است؛ یک انقلاب اسلامی است یک انقلاب غیر اسلامی است» (صحیفه امام، جلد ۸: ۲۷۱). آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارند عقلانیت جزء جدانشدنی انقلاب‌های اسلامی به‌شمار می‌رود که دارای دو شاخصه مهم معنویت و عدالت می‌باشد (اسماعیلی و عباسی، ۱۳۹۵: ۵۳).

در آیات شریف قرآن، تلاش برای تغییر در ساختار اجتماعی و سیاسی و عدم تمکین در برابر حاکمیت ناصالح جامعه که در برخی تعاریف از آن به‌عنوان انقلاب یاد می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس آیات قرآن، رسالت پیامبران الهی اصلاح و ایجاد جامعه‌ای متعالی بوده است و آنان موانع اصلی تحقق این جامعه را در دو قالب موانع درونی و بیرونی می‌دیدند. از این رو، در سیر مبارزات ایشان مبارزه در دو جبهه دیده می‌شود؛ اول مبارزه فکری که با جهالت و نابخردی حاکم بر افکار و باورهای جامعه خود درگیرند و با استفاده از شیوه‌های حکمت و موعظه و جدال احسن به اصلاح انحرافات اندیشه‌ای جامعه اقدام نموده‌اند. دومین نوع از مبارزه پیامبران الهی در قالب مبارزه عملی قابل تبیین است. این مبارزه با حاکمیت ناصالح جامعه صورت پذیرفته است. مهم‌ترین این اقدامات، تلاش برای مقابله با طاغوت‌های زمان، ایجاد تحول در جامعه، تأسیس حکومت صالح و در نهایت بنا نهادن جامعه آرمانی بوده است. بر این اساس الگوی انقلاب متعالیه قرآنی با تحول در درون انسان‌ها آغاز و با تحول در ساختار سیاسی - اجتماعی جوامع، به کمال می‌رسد. غایت انقلاب‌های انبیاء در این دیدگاه، رسیدن فرد و جامعه به حیات طیبه است (رستمی، ۱۳۹۵: ۸۳).

الگوی چهار وجهی علت‌های انقلاب

به‌عنوان مقدمه باید اذعان داشت که انقلاب با سطح وسیع و ریشه‌های عمیق و تمام ویژگی‌های خود به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، معلول و محصول عوامل و علت‌های بسیاری است. هر گروهی با توجه به ملاکات فکری و منافع تشکیلاتی خویش، علتی را برجسته‌تر می‌نماید و سعی می‌کند سلسله علل را به آن علت اصلی برگرداند. به همین علت، بررسی علل انقلاب حائز اهمیت می‌باشد. مارکسیست‌ها شرایط اقتصادی و مرحله تاریخی هر جامعه را زمینه و علت انقلاب می‌دانند و به‌طور کلی اینها هستند که نظریات مدونی در باب انقلاب دارند که به انحاء مختلف این تئوری‌ها تأثیر خود را بر تحلیل اغلب نظریه پردازان انقلاب‌ها گذارده است. فرد گرایان شرایط فکری و فرهنگی را مهم دانسته و برای افراد و نخبگان نقش زیادی در متحول کردن جامعه قائلند (حشمت زاده، ۱۳۷۸). به هر حال، هر مکتب، گروه و جریانی سعی دارد به‌گونه‌ای به بررسی علل انقلاب بپردازد. یکی از تقسیمات معروفی که برای علت ذکر شده است و گویا ارسطو برای نخستین بار آن را بیان کرده باشد، تقسیم به علت مادی، علت صوری، علت فاعلی و علت غایی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۱۱۳-۹۰). بر اساس این تقسیم‌بندی علل، می‌توان زمینه‌های انقلاب را از منظر این الگوی چهار وجهی بررسی کرد.



شکل ۱: الگوی چهاروجهی علل انقلاب

از منظر لغوی باید اشاره کرد که علل جمع علت است. علت موجب به وجود آمدن شیء می‌شود و اصطلاحی است که معنا و مفهوم خاصی در فلسفه دارد. علت دو مفهوم دارد: یکی آنکه از وجود وجود شیء دیگر و از عدمش عدم شیء دیگر لازم می‌آید و دیگر آنچه وجود شیء بر آن متوقف است. علت به معنی دوم خود منقسم به دو قسم می‌گردد: یکی علت تامه (و آن علتی است که غیر از آن برای معلول علتی نباشد) و دیگر علت غیر تامه. علت تامه هم منقسم می‌شود به صورت، ماده، غایت و فاعل که علل اربعه‌اند. به علت مادی، علت صوری علل داخلی یا علل قوام و یا علت ماهیت و به علل فاعلی و غایی علت وجود و یا علل خارجی گفته می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۳). بحث از علل اربعه (علت فاعلی، علت غایی، علت مادی و علت صوری) یکی از مباحث فلسفه یونانی ارسطویی است. هر کدام از علل فوق و همچنین

روابطشان با هم احکام و ویژگی‌های خاصی داشته که محل بحث و پژوهش می‌باشد. اگرچه انقلاب، مفهوم اعتباری و انتزاعی است و علل اربعه‌ای که فلاسفه نام برده‌اند به توضیح پدیده‌های مادی مربوط می‌گردد، اما با قدری تسامح و شبیه‌سازی می‌توان در تحلیل موضوعات مفهومی از جمله موضوع انقلاب از آنها کمک گرفت. بر این اساس، علت مادی به فلسفه و مبنای انقلاب، علت صوری به سطوح و مراتب انقلاب، علت فاعلی به انقلابیون و علت غایی به غایت و اهداف انقلاب‌ها می‌پردازد.

جدول ۱: پرسش‌های انقلاب متعالی (مطلوب) بر اساس الگوی علل اربعه

ردیف	علل اربعه	پرسش‌ها با ادبیات فلسفی	پرسش‌ها با ادبیات انقلاب	جنس علت	خروجی‌ها
۱	علت مادی	علت مادی برای انقلاب چیست؟	منابع و مبنای انقلاب چیست؟	علت مادی	انقلاب متعالی (توحیدی، نبوت محور و آخرت باور)
۲	علت صوری	علت صوری برای انقلاب چیست؟	ابعاد، سطوح و مراتب انقلاب چیست؟	علت صوری	انقلاب متعالیه مبتنی بر آموزه‌های جهاد و امر به معروف و ظلم ستیزی
۳	علت فاعلی	علت فاعلی انقلاب کیست؟	رهبران و انقلابیون برای ایجاد انقلاب چه شرایطی دارند؟	علت فاعلی	انقلابی متعالی بر اساس آغاز تحول از درون انسان
۴	علت غایی	علت غایی انقلاب چیست؟	هدف و غایت انقلاب متعالی در قرآن چیست؟	علت غایی	رسیدن به حیات طیبه و سعادت حقیقی در دنیا و آخرت

یافته‌های پژوهش؛ علت‌های وقوع انقلاب از منظر قرآن کریم

علل مادی انقلاب در قرآن

علت مادی به فلسفه و مبنای هر مفهوم اجتماعی اطلاق شده و در حوزه مسائل مرتبط با جامعه، علت مادی مربوط می‌شود به قوانینی که اداره جامعه را بر عهده می‌گیرند (فیرحی و لک زایی، ۱۳۸۷: ۲۶). بر همین اساس در پژوهش حاضر مبنای انقلاب در قرآن، ذیل علت مادی بررسی شده است.

تحولات اجتماعی غالباً از تحولات درونی انسان‌ها نشأت می‌گیرد و مطالبه عدالت در جامعه بدون تربیت انسان‌های باورمند به عدالت میسر نیست. بر همین اساس، انبیاء الهی در دعوت خود ابتدا سراغ فرد انسان‌ها رفته‌اند. قیام الله از مثنی و فرادای انسان‌ها خواسته شده و رسالت حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آگاه کردن مردم به وحی با تلاوت آن، تعلیم و تربیت جامعه اسلامی و تزکیه نفوس آنهاست. اگر به این سه وظیفه عمل شود، جامعه متحول می‌شود، و گرنه تحول اجتماعی میسر نیست. با این بیان در انقلاب قرآنی بدون انقلاب درونی انقلابی اجتماعی رخ نخواهد داد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۲۹).

پیام‌آوران الهی آمدند تا با اِثاره گنجینه‌های دل، در مردم «ثوره» (انقلاب) ایجاد کنند: «و یُثِرُوا لَهُم دَفَاتِنَ الْعُقُولِ». از این منظر، مکانیسم وقوع انقلاب نیز از طریق تحول در افکار، اندیشه و آرمان‌هاست.

خداوند می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ؛ (رعد: ۱۱) این آیه شریفه، مبین یک قاعده اساسی در تحولات اجتماعی است. و آن اینکه تغییر و تحول هر ملت در تغییر و دگرگونی آن جامعه مؤثر است و به عبارت دیگر، انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی در گرو تحول درونی مردم آن جامعه است. به نظر می‌رسد با تعمق در قرآن، مبانی انقلاب هم از مباحث بنیادین قرآن همچون اعتقاد به توحید و معاد و هم از سایر معارف قرآنی که شریعت و الزامات زندگی دینی یک فرد مسلمان را شکل می‌دهند قابل استنتاج است. به عبارت دیگر، روح حاکم بر اعتقاد به اصول و التزام به فروع دین که برآمده از معارف قرآن است، الزام به تسلیم ناپذیری هر فرد مسلمان در مقابل آنچه انسان و جامعه را از امت وسط و نظام عادلانه باز می‌دارد، می‌باشد.

مهمترین اصل اعتقادی قرآن، محور دعوت انبیاء و جوهره دین نیز توحید، ایمان به خدا و جهان‌بینی توحیدی است. تبلور آن در عرصه اجتماعی، نفی فراعنه و طواغیت است. مفهوم توحید به‌عنوان مفهوم توحید تنها پرستش خداوند نیست، بلکه روابط سیاسی، حقوقی و اقتصادی نیز در سایه آن معنی و مفهوم می‌یابد. با پذیرش و ایمان به شعار «لا اله الا الله» هر معبودی غیر از آفریدگار یکتا را نفی کنند (نحل: ۳۶). و از همین شعار، نفی حاکمیت غیر الهی استنباط می‌شود. باور به توحید در این نگاه، دعوت به انقلاب علیه حاکمیت غیر الله را در پی دارد. اولین اصل اعتقادی اسلام، گویای این است که خداوند یکتا حاکم بر کلیه شؤون جامعه می‌باشد و کسی بر دیگری حق حکمرانی ندارد و تنها خداوند و کسانی که از جانب خداوند اذن داشته باشند می‌توانند منطبق با قوانین الهی و عدالت اجتماعی در جامعه، حکومت کنند (فارسی، بی‌تا: ۳۵). یکی دیگر از اصول بنیادین جهان‌بینی قرآنی و اسلامی، اصل اعتقاد و ایمان به معاد یا حیات اخروی است. مزرعه انگاری دنیا برای آخرت موجب می‌شود بین کلیه افعال انسان از جمله فعالیت‌های اجتماعی و موضع‌گیری‌های سیاسی افراد با سرنوشت اخروی آنان پیوند و رابطه داشته باشد (شیروانی، ۱۳۷۷: ۱۵۵). این امر موجب می‌گردد انسان مؤمن در مواجهه با ظلم و بی‌عدالتی و هتک حرمت نسبت به قوانین و موازین الهی، ایستادگی نماید و شهادت را به‌عنوان یک آرمان انتخاب می‌کند. با این انتخاب هیچ تعهد و مانعی نمی‌تواند انسان را از مبارزه در راه مکتب و خدای خویش بازدارد و تزلزلی در اهدافش ایجاد نماید.

یکی دیگر از اصول اعتقادی و خطوط کلی و بنیادین جهان‌بینی قرآنی، رهبری در جامعه در قالب اعتقاد به ضرورت نبوت و امامت است. براساس این اعتقاد حق ولایت و رهبری مخصوص خداوند است که این حق از جانب خدا به پیامبر اسلام و امامان معصوم (ع) اهدا شده است (امام خمینی، ۱۴۲۱: ۴۹۷). اعتقاد به ولایت و رهبری حاکم مآذون از سوی شارع جامعه مسلمان و آحاد مؤمنان را به نفی زعامت حاکمان نامشروع از منظر شریعت و قیام و انقلاب علیه چنین حاکمیتی هدایت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۴: ۷۱۷). نگاهی اجمالی به آیات فقهی و حقوقی قرآن یا آیات الاحکام، نشان دهنده عجین شدن مسائل سیاسی در کلیه بخش‌های فقه، اعم از عبادات، معاملات و حدود و سایر مسائل اجتماعی آن است (امام خمینی، ۱۳۶۰: ۴۸ و ۴۹). برخی از این آیات قرآنی آشکارا چهره مبارزاتی و مقاومت را به نمایش می‌گذارد نظیر آیات مربوط به جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و بسیاری از آیات جزایی قرآن. از دیگر ویژگی‌های مهم نظام اخلاقی

و تربیتی قرآنی، تقویت و تعمیق حس ظلم ستیزی است (انعام: ۶۸). برخی مراحل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، بیانگر نفی و طرد وضع موجود و تلاش در جهت ایجاد وضع مطلوب است. آموزه‌های قرآن دارای منطق مقابله و مبارزه با رژیم‌های نامشروع است و تربیت‌شدگان این مکتب با انقلاب و برآشتن علیه نظام‌های مبتنی بر ظلم، خو می‌گیرند.

علل صوری انقلاب در قرآن

سطوح و مراتب انقلاب در قرآن به‌عنوان علل صوری انقلاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در قرآن واژه‌ای که مستقیماً معادل واژه انقلاب در علوم اجتماعی باشد، استعمال نشده است. هرچند در کلمات مفسران کلام الهی بر حرکت‌های انبیا و نهضت‌های قرآنی، واژه انقلاب اطلاق گردیده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، جلد ۱۷: ۵۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱، جلد ۴: ۲۲۴). باید با توجه به مجموعه آیات کتاب الهی و احصای مجموع توصیه‌های قرآنی که از برآیند آنها دعوت به انقلاب استفاده می‌شود و سطوح و مراتبی که از این آیات برای انقلاب و حرکت‌های انقلابی برداشت می‌شود، به علل صوری انقلاب در قرآن دست یافت.

جهاد یکی از آموزه‌های قرآنی است که برای اثبات مشروعیت و ضرورت انقلاب و دعوت به انقلاب مورد استدلال قرار می‌گیرد و سطوح و مراتب انقلاب از آیات قرآنی مرتبط با جهاد برداشت می‌شود. می‌توان جهاد را این‌گونه تعریف کرد: «تلاش باورمندانه انسان مؤمن^۱ برای تعالی جامعه یا دفاع (از خود، دیگران و جامعه)^۲ در مقابل هرگونه آسیب (به مال، جان، آبرو و ارزش‌های دینی) و با هر ابزار (قلب، زبان و جوارح) (مائده، ۳۵؛ انفال، ۴۵؛ توبه، ۲۰ و ۸۸ و ۱۱۱؛ صف، ۱۱ و نجفی، بی‌تا: ۳). تقسیم مشهوری که بین دانشمندان حدیث و اخلاق پذیرفته شده است، تقسیم جهاد به سه نوع اکبر، کبیر و اصغر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، جلد ۳: ۹۷ و ۱۰۷).

الف. انقلاب درونی (جهاد اکبر): سطح اول انقلاب‌های قرآنی

آغاز هر انقلابی از درون انسان‌هاست و مهمترین جهاد مربوط به اعتلای خود و دفع تهدیدهای درونی خویش است؛ چرا که هویت اصلی انسان، عقل و جوهر وجودی اوست (امام خمینی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). از این رو، بزرگترین جهاد (الجهاد الاکبر) مبارزه با دشمن درون و نفس اماره است که «جهاد با نفس» تعبیر می‌شود. (عاملی، بی‌تا) عصاره وظایف انبیا «تلاوت وحی» و «تعلیم کتاب و حکمت» و «تزکیه دلها» است که اگر به این سه وظیفه عمل شود، انقلاب فکری و قلبی در انسان‌ها رخ داده و جامعه متحول می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۳۹). در طرح انقلاب قرآنی، بدون انقلاب درونی نیز انقلابی اجتماعی رخ نخواهد داد. حضرت امیرمؤمنان (علیه‌السلام) می‌فرماید که پیام‌آوران الهی آمدند تا با اِثاره گنجینه‌های دل، در مردم «ثوره» (انقلاب) ایجاد کنند: «و یُثِرُّوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ». اگر جامعه از این مزایا برخوردار شود، قهراً متحول خواهد شد. هدف انبیا ایجاد ثوره و انقلاب درونی جامعه است (همان: ۳۳۰).

۱. سوره مبارک عنکبوت آیه ۶۹.

۲. سوره مبارکه نساء آیه ۷۵.

ب. انقلاب معرفتی (جهاد کبیر)؛ سطح دوم انقلاب‌های قرآنی

واژه‌ی جهاد کبیر واژه‌ای قرآنی است که خداوند بر مبارزه فکری و عقلی با کفر اطلاق نموده است. خداوند به صراحت از جهاد کبیر علمی و فرهنگی سخن به میان آورده است: فلا تطع الکافرین و جاهدهم به جهادا کبیرا؛ (فرقان: ۵۲) «پس تو هرگز از کافران فرمان مبر و در راه حق و عدالت و خشنودی خدای یکتا، به وسیله این کتاب پرشکوه با آنان به جهادی بزرگ پرداز و روشنگری کن». جهاد کبیر، جهادی است که گفتمان درست فکری و فرهنگی را به جامعه ارائه می‌دهد و اجازه نمی‌دهد تا گفتمان باطل مستبدانه با سرکوب افکار و فرهنگ‌های عقلانی و عقلایی دیگر بر جامعه مسلط شود. قرآن عدم تبعیت از دشمن را «جهاد کبیر» نام نهاده است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴). تحول جامعه مطیع و تابع بیگانه به جامعه خودبسنده و عقل‌گرا، مرحله دوم انقلاب جهادی شمرده می‌شود. این انقلاب نیز متحول کردن قلب‌های بیگانه‌گرا و مطیع کفار است.

ج. انقلاب جهادی (جهاد اصغر)؛ سطح سوم انقلاب‌های قرآنی

جهاد تلاش و کوشش برای نشر حقایق اسلام و گسترش معارف آن و فراخوان مردم به سوی حق و یکتاپرستی حتی با جنگ در نهایت کار است، برای آنکه فتنه ریشه کن شود و تمام دینداری فقط برای خدا باشد و فقط خداوند تعالی و حاکمان راستین منصوب از ناحیه او حاکم بر زمین باشند (محمد یزدی، ۱۴۱۵: ۲۳۳). از این تعریف پیداست که هدف نهایی جهاد تغییر حاکمیت باطل به حق است. امری که در انقلاب قرآنی تعقیب می‌شود. جهاد اصغر، انقلاب علیه طغیان و تباهی حکومت‌های باطل است. بر اساس تعالیم قرآن جوامع و حکومت‌ها با داشتن برخی از نشانه‌ها در تباهی به سر برده و هر مؤمنی با وجود شرایط باید برای رفع این باطل و اقامه حق اقدام نماید. نشانه‌های تباهی در نظام جامعه در قرآن عبارتند از: نقض پیمان‌ها و رفتارهای ناشایست، استضعاف بیچارگان و ستمگری بر ضعیفان، تجاوز به حقوق مردم، آلودگی جامعه به مظاهر شرک و کفر و فتنه. بر اساس آیات قرآن، اگر حاکمیت افراد ناصالح به معصیت و نافرمانی جامعه در برابر فرامین الهی منجر شود، در صورتی که مردم، در برابر این حاکمیت ناصالح قیام نکنند، نزد خداوند معذور نخواهند بود. دینی که اجازه حکومت به ناصالحان و مستکبران را نمی‌دهد (نساء، ۹۷) و از سوی دیگر مبارزه برای نجات مستضعفان را مقدس می‌شمارد (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۰۳) و در نهایت اجازه ظلم‌پذیری و پذیرش استضعاف را به ضعفا نمی‌دهد؛ و راه مبارزه و انقلاب در صورت مقاومت ظالمان و اصرار آنان بر ظلم را تجویز می‌کند.

امر به معروف و نهی از منکر و رابطه آن با انقلاب در قرآن

در کتاب‌های فقهی برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی ذکر شده است که مشهورترین آنها مراتب سه‌گانه قلبی، زبانی و عملی است (امام خمینی، ۱۳۷۹، جلد ۱: ۴۷۶). از این مراحل به «انکار قلبی» «انکار زبانی»

و «انکار با دست» تعبیر می‌شود (خویی، ۱۴۱۰: ۳۵۰؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۲۸ و منتظری، ۱۴۰۹: ۲۱۵) در ادامه ارتباط سه مرحله امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با انقلاب متعالی را اشاره خواهیم کرد:

الف. زمینه سازی برای انقلاب اجتماعی

اولین مرتبه‌ی نهی از منکر، انکار به قلب است؛ یعنی زمانی که انسان گناه، زشتی و انحرافی را در جامعه می‌بیند، در دل خود آن را تقبیح کرده و احساس ناراحتی کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۲۸). یکی از مقدمات وقوع انقلاب‌های اجتماعی بی‌اعتبار شدن ایدئولوژی حاکم و ظهور ایدئولوژی جایگزین است. از مهم‌ترین اسباب اعتبار زدایی از یک تفکر ایجاد تنفر از آن در بین توده‌هاست و اصرار دین بر ضرورت براءت از باطل و منکر در مرحله‌ی اول، به همین اصل مهم اجتماعی - اعتبار زدایی از جریان باطل - منجر می‌شود.

ب. طرح علنی مطالبات در انقلاب اجتماعی

برترین امر به معروف و نهی از منکر، سخن عدالت‌خواهانه نزد پیشوای ستمگر است؛ چرا که او ریشه‌ی همه‌ی منکرات است و هر کس با او بستیزد و مخالفت کند در حقیقت با تمام منکراتی که در وجود او جمع شده، ستیزه کرده است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۴۴). آیات قرآن، بزرگان امت‌های پیشین را به دلیل ترک نهی از منکر مؤاخذه می‌کند (مائده: ۶۳ و ۷۹). در این سطح از نهی از منکر، مؤمنان به اعتراض زبانی و مخالفت قولی با منکر مأمور شده‌اند. دعوت به برآشفتن علیه مرتکبان منکر در سطح حاکمان، دعوت به انقلاب است؛ چرا که اعتراض زبانی به انحراف حاکمیت از معیارهای دینی (منکر) و طرح علنی مطالبات در عرصه اجتماع، مقدمه دعوت به قیام و اقدام عملی عمومی است.

ج. اقدام عملی برای ریشه کنی نظام فاسد

مرحله‌ی سوم امر به معروف و نهی از منکر، اقدام با دست (عملی) است. مقصود از امر و نهی یدی آن است که مکلف باید با اِعمال قدرت و به‌کار بردن جبر و زور، طرف را از انجام منکر و ترک معروف باز دارد. با توجه به تعریف منکر که شامل حکومت‌های ناصالح نیز می‌شود (نهج‌البلاغه، نامه ۳۶). موضوع قیام و انقلاب علیه نظام و حاکمیت ناصالح تحت عنوان مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد.

انقلاب علیه طاغوت و ظلم

یکی دیگر از موضوعاتی که می‌توان به‌عنوان مبانی انقلاب در قرآن از آن ذکر نمود، دعوت قرآن به قیام علیه طاغوت‌ها و ظالمان است (مدرسی، ۱۳۷۷: ۳۸۵). برخی برای مشروع انگاشتن انقلاب به این استدلال متمسک شده‌اند که حاکمان جابر و فاسق، مصداق محارب، مفسد یا یاغی می‌باشند که در مبانی فقهی، مجازات‌های سنگینی مقرر گردیده است. بنابراین انقلاب و قیام علیه ایشان مشروع - بلکه واجب - است (منتظری، ۱۴۰۹: ۵۹۵). امام خمینی (ره) در خصوص انقلاب علیه طاغوت بیان می‌کند: «تمام انبیا که قیام کرده‌اند... از اول مقابله با طاغوت بوده است. تمام اینها قیام کردند در مقابل جور، در مقابل ظلم، همه، قیامشان این معنا بود. ما سرمشق باید بگیریم از اینها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم؛ مسلمان‌ها باید در

مقابل جورها، در مقابل ظلمها، در مقابل منکرات قیام کنند، همان طوری که ملت شریف ایران بحمدالله قیام کرد» (امام خمینی، جلد ۲۱: ۳).

وجوب تأسیس حکومت اسلامی و ضرورت انقلاب

یکی از صور قابل طرح در ضرورت قیام و انقلاب در قرآن، وجوب اقدام برای تأسیس حکومت اسلامی در جامعه است. توجه به آیات مربوط به احکام و ابعاد حکومت نشان می‌دهد که برپایی حکومت در جامعه اسلامی، مسأله‌ای ضروری است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۱۵۴)؛ زیرا اجرای بسیاری از احکام اسلام، متوقف بر وجود حکومت است. در اسلام احکامی وجود دارد که اجرای آن فقط از طریق حکومت ممکن است، مثل برخی از احکام مالی، نظامی، قضایی و... پس بنابر حکم عقل، تشکیل حکومت، جهت تحقق همه‌جانبه اسلام امری ضروری است (قاسمی، ۱۳۸۸ و امام خمینی، ۱۴۲۱: ۴۶۱). با توجه به اینکه بسیاری از حکومت‌ها مبتنی بر احکام قرآنی نیستند، باید برای برپایی حکومتی با این وصف، نظام‌های فاقد مشروعیت در محیط اسلامی تغییر کنند. بدیهی است این تغییر در قالب انقلاب، اقداماتی مانند اسقاط یا قیام علیه حکومت ناصالح را اقتضا دارد.

علل فاعلی انقلاب در قرآن

منظور از علت فاعلی، آفرینندگان انقلاب (شامل رهبران انقلابی و نقش آفرینان در وقوع انقلاب) است. در موضوع تلاش انسان‌ها برای تغییر ساختار و ایجاد تحول در جامعه نیز، قرآن به دو دسته متمایز از این تلاش‌ها اشاره دارد؛ دسته اول، اقداماتی که منجر به رشد و تعالی جامعه در مسیر هدایت‌گران الهی و در نهایت قرار گرفتن در صراط مستقیم می‌گردد و از آن به‌عنوان «انقلاب‌های متعالی» یاد می‌شود. دسته دوم، تلاش‌هایی است که جامعه را به قهقرا برده و در معیارهای قرآنی ثمره‌ای جز ارتداد و ارتجاع ندارد که از آن به‌عنوان «انقلاب‌های متدانی» یاد می‌شود. برای تبیین انقلاب‌های متعالی قرآنی، حرکت حضرت ابراهیم(ع)، حضرت موسی(ع) و حضرت محمد مصطفی(ص) را اشاره خواهیم کرد.

حضرت ابراهیم(ع) یک چهره‌ی انقلابی است که در سراسر زندگی از ایستادن در مقابل جامعه شرک آلود تا بر پا کردن یک جامعه انقلابی مبتنی بر آرمان‌ها در تکاپو بوده است. در آیات قرآن با مراحل پیش از دعوت (آمدگی درونی)، مبارزات فکری، مبارزات عملی و در نهایت جامعه‌سازی و امت‌سازی در حرکت انقلابی حضرت ابراهیم پس از مبارزات (جامعه‌سازی) آشنا می‌شویم. شیوه‌های مبارزاتی حضرت ابراهیم(ع) شامل مبارزه فکری و مبارزه عملی بوده است.

حضرت موسی(ع) با فساد سیاسی، فساد اقتصادی و انحراف دینی مبارزه داشته‌اند و مراحل مبارزه حضرت موسی عبارتند از: معرفی صریح رسالت و اعتقادات و دعوت روشن، تلاش برای تحول و اصلاح دشمن، نهراسیدن از تهدیدها و تهدید متقابل، مرزبندی با دشمن و تأکید بر تبری از طاغوت، توکل بر خداوند و امید دادن به همراهان.

حضرت محمد(ص) با انحراف دینی و فرهنگی فساد سیاسی و اقتصادی مبارزه کرده‌اند و جامعه خود را در پی انقلاب پیروز اسلامی از جاهلیت به جامعه انقلابی نبوی رهنمون شده‌اند. انقلاب جامعه نبوی(ص) شامل تحول روحی اخلاقی جامعه و تحول در نظام سیاسی اقتصادی است. محورهای تحول روحی در جامعه: انقلاب روحی مقدم بر تحول اجتماعی، پایبندی به اخلاق، کنار گذاشتن عصبیت جاهلانه و ایجاد اخوت ایمانی، تحول علمی عرفانی، تحول اعتقادی و جایگزینی توحید به جای شرک، تحول حرکت از محسوس به معقول، تحول از جنسیت به انسانیت و تحول از فردگرایی به مشاوره و کار جمعی است. برخی از محورهای تحول در نظام سیاسی جامعه نبوی را می‌توان چنین برشمرد: نفی ارزش ذاتی حکومت و آلی بودن ارزش آن، امتحان دیدن قدرت و حکومت برای حاکم، حکومت داوری و حل اختلاف و مدیریت جامعه، اولویت روش اصلاح و هدایت بر روش خشونت و تلاش برای تصحیح مرکزیت قدرت و حاکمیت جامعه، دوری از استبداد در امور حکومتی در عین قاطعیت، اجتناب از ظلم و ستم در حکومت، احسان و نیکی به ملت، بهره‌گیری از مشورت و مشاوره با نخبگان مردم، طرح ویژگی‌های شخصی حاکم مانند: ایمان به خدا و معاد و حسابرسی، در پیش گرفتن تقوای الهی در همه حوزه‌های عملی و علمی، برخورداری از توانایی علمی و جسمی. و در نهایت به برخی از محورهای تحول در نظام اقتصادی جامعه نبوی اشاره می‌شود: با تغییراتی که در اثر انقلاب نبوی در ارزش‌های جامعه ایجاد می‌شود عدالت محقق می‌شود. در این راستا، در عین حال که از تمام ظرفیت‌های وجودی انسان‌ها و طبیعت برای رشد و شکوفایی مظاهر مادی استفاده شود، با نهادینه کردن باورهای الهی و ارزش‌های انسانی و با اتخاذ روش‌ها و قوانین خاص، زمینه‌های شکاف طبقاتی و بهره‌کشی از انسان را از بین برده، و در عین حال رفاه عمومی را گسترش می‌دهد. تحول در سیاست‌های مالی حاکمیت، گردآوری و هزینه‌ی آن در راه مصالح عمومی جامعه و رفع فقر و تبعیض و ایجاد زندگی شرافتمندانه‌ای برای افراد جامعه و برقراری حدود و مقررات برای آزادی فعالیت‌های اقتصادی ضمن منع اجحاف و خیانتگری و رباخواری، جلوگیری از انحصار، حمایت از طبقه کارگر و توجه ویژه به ضعیفان و نیازمندان نیز از این تحولات است.

علل غایی انقلاب

علت غایی انقلاب در قرآن را می‌توان در قالب دو مبحث غایت اصلی و غایت فرعی طبقه‌بندی نمود. از دیدگاه قرآن، هدف اصلی و غایی انقلاب، ایجاد زمینه برای رسیدن به سعادت در تمامی ابعاد دنیوی و اخروی یا به تعبیر قرآنی «حیات طیبه» می‌باشد. ثمره‌ی حرکت انبیا و نهایت تحولی که انقلاب‌های پیامبران در جامعه و انسان‌ها به وجود می‌آورد، حیات است. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاکُمْ لِما یُحِیْیْکُمْ (أنفال: ۲۴): ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد!». وصف اصلی این حیات نیز طبیه بودن است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهٗ حَیَاةً طَیِّبَةً وَلَنَجْزِیَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما کانوا یَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷): هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی

پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». حیات طیبیه‌ی اسلامی، زندگی‌ای است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از اینکه انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت‌خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبیه‌ی اسلامی شامل دنیا و آخرت است. رسیدن انسان‌ها به حیات طیبیه، غایت انقلاب در قرآن است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۱/۰۲).

به عبارت دیگر غایت تلاش برای تغییر در درون انسان‌ها و در نظام سیاسی و اجتماعی از نگاه قرآن کریم، رسیدن انسان به حیات طیبیه است. منظور از غایات فرعی انقلاب در قرآن آن دسته از اهدافی است که نیل به غایت اصلی را میسر و عملی می‌سازند یا اینکه ذیل غایت اصلی تعریف می‌شوند. برای غایات فرهنگی انقلاب در قرآن می‌توان به؛ ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی (نساء، ۵۸)، حاکمیت‌الله در شئون زندگی بشر (مائده، ۴۴-۴۵)، تکریم انسان و واگذاری حق تعیین سرنوشت (رعد، ۱۱)، حریت و نفی بردگی و استقلال (آل عمران، ۶۴)، رعایت حدود و قوانین الهی در جامعه (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۸۰) و تعلیم و ارتقای جامعه ایمانی اشاره کرد (جمعه، ۲). غایات سیاسی انقلاب قرآنی نیز شامل استقلال سیاسی (مائده، ۵۱ و ۵۲)، نفی وابستگی و سلطه‌پذیری (نساء، ۱۴۱)، نفی استبداد (آل عمران، ۶۴) و آزادی بیان است (زمر: ۱۲۵). از جمله اهداف اقتصادی انقلاب در قرآن می‌توان به استقلال اقتصادی و تلاش برای خودکفایی، پیشرفت اقتصادی، عدالت اقتصادی برای جامعه و مردم به‌صورت توامان اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

این مقاله با استعانت از «الگوی چهار وجهی علل انقلاب» تلاشی در راستای تبیین علل انقلاب از منظر قرآن کریم بود و سعی گردید تا زمینه‌ها و علل شکل‌گیری انقلاب متعالی در چهار بُعد صوری، فاعلی، مادی و غایی مورد مذاقه قرار گیرد. برخی از یافته‌های مقاله در زمینه علل اربعه انقلاب قرآنی (انقلاب متعالی) عبارتند از:

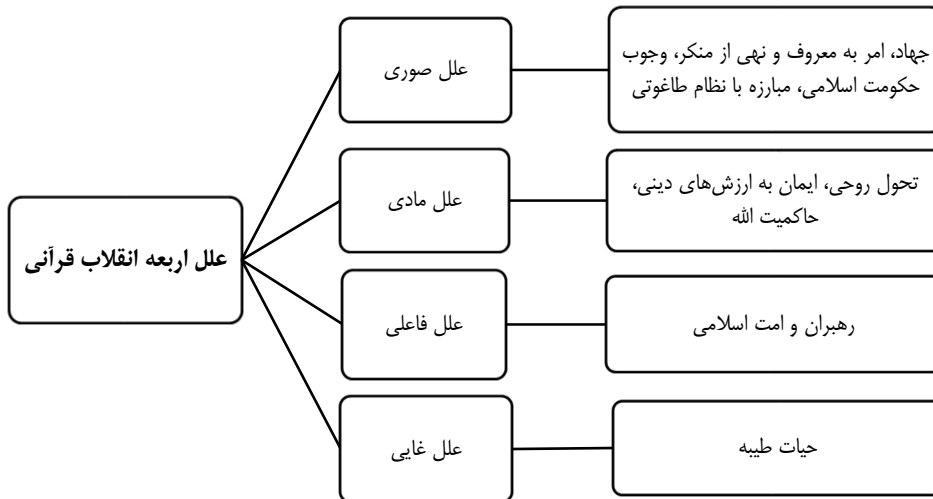
الف. از منظر علت فاعلی انقلاب قرآنی باید اذعان شود که کارگزاران، رهبران و امت اسلامی با بهره‌گیری از اصول و فرامین قرآن کریم می‌توانند در مسیر صحیح گام بردارند و جامعه را به سمت و سوی حاکمیت ارزش‌های الهی سوق دهند. در صورت سلامت رهبران جامعه، امکان رشد و تعالی پایدار جوامع فراهم خواهد شد و اگر جامعه در مسیر انحراف قرار بگیرد، وظیفه رهبران امت اسلامی است که از تباهی و فساد جامعه جلوگیری نمایند. هدایت و راهبری کارگزاران یکی از عوامل مهم فاعلی در انقلاب قرآنی است و پیوند امت و امام می‌تواند به پایایی انقلاب‌ها کمک شایانی نماید. آمادگی درونی، مبارزات فکری، مبارزات عملی و در نهایت جامعه‌سازی و امت‌سازی در حرکت انقلابی انبیاء الهی مشهود است و بررسی سیره حضرت ابراهیم(ع)، حضرت موسی(ع) و پیامبر گرامی اسلام گواهی بر این موضوع است. رهبران دینی

همواره در مسیر مبارزه با فساد و مظاهر آن، تحول ملت، ایستادگی در برابر طاغوت و پادشاهان ظالم، مبارزه با جاهلیت و... مستحکم بوده‌اند که دستاورد این عملکرد، انقلاب متعالی بوده است که از مسیر و اهداف انقلاب متدانی به دور است.

ب. از منظر علت مادی انقلاب قرآنی، باید به قوانینی که اداره جامعه را بر عهده می‌گیرند توجه شود و براساس آموزه‌های قرآنی، تحولات و دگرگونی‌های عمیق سیاسی و اجتماعی، از تحولات درونی انسان‌ها نشأت می‌گیرد و مطالبه عدالت در جامعه بدون تربیت انسان‌های باورمند به عدالت میسر نیست. بنابراین، آگاهی مردم از دین، تربیت صحیح اسلامی - انسانی و تزکیه نفوس عامل مهمی در تحول اجتماعی است. در این میان، توحید، ایمان به خدا و جهان‌بینی توحیدی در مبحث انقلاب متعالی نشان می‌دهند که پروردگار جهانیان حاکم بر کلیه شئون جامعه می‌باشد و تنها خداوند و کسانی که از جانب خداوند اذن داشته باشند می‌توانند منطبق با قوانین الهی و عدالت اجتماعی در جامعه، حکومت کنند. این امر موجب می‌گردد انسان مؤمن در مواجهه با ظلم و بی‌عدالتی و هتک حرمت نسبت به قوانین و موازین الهی، ایستادگی نماید و شهادت را به‌عنوان یک آرمان انتخاب می‌کند.

پ. از منظر علت صوری انقلاب قرآنی، این نکته باید مورد توجه باشد که سطوح و مراتبی از آیات قرآنی برای انقلاب و حرکت‌های انقلابی در نظر گرفته می‌شود که شامل سه مرحله است؛ سطح اول انقلاب‌های قرآنی شامل انقلاب درونی (جهاد اکبر) می‌باشد. سطح دوم انقلاب‌های قرآنی نیز انقلاب معرفتی (جهاد کبیر) است و در سومین سطح، انقلاب جهادی (جهاد اصغر) مدنظر می‌باشد. در این زمینه، امر به معروف و نهی از منکر با انقلاب در قرآن ارتباط نزدیکی دارد که باید مبتنی بر؛ زمینه سازی برای انقلاب اجتماعی، طرح علنی مطالبات در انقلاب اجتماعی و اقدام عملی برای ریشه‌کنی نظام فاسد باشد. در این راستا، انقلاب علیه طاغوت و ظلم به همراه وجوب تأسیس حکومت اسلامی در قرآن کریم، منجر به تقویت فعالیت‌های جهادی در راستای برطرف کردن ظلم و نظام طاغوتی از طریق انقلاب می‌شود.

ت. از منظر علت‌غایی انقلاب قرآنی، حیات طیبه به‌مثابه آمال و فرجام انقلاب‌های متعالی در نظر گرفته می‌شود. پس، ایجاد زمینه برای رسیدن به سعادت در تمامی ابعاد دنیوی و اخروی به‌عنوان هدف اصلی در انقلاب قرآنی مطرح است و در حوزه‌های فرعی، اهدافی نظیر برپایی عدالت، برچیدن ظلم و تبعیض، امنیت، خودکفایی، استقلال و... مورد توجه است که امت اسلامی را در مسیر تحقق هدف اصلی یاری می‌کنند.



شکل ۲: الگوی نظری علل اربعه انقلاب قرآنی

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- اسماعیلی، محمدمهدی و عباسی، میثم (۱۳۹۵)، عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال دوم، پائیز و زمستان، شماره ۲.
- جمشیدی، محمدحسین و ایران نژاد، ابراهیم (۱۳۹۱)، نظریه انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، تابستان، شماره ۲۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، بنیان مرصوص/امام خمینی، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، ادب فنای مقربان، تحقیق و تنظیم احسان ابراهیمی و مجید حیدری‌فر، قم: انتشارات اسراء.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، وسائل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۸)، ارزش‌ها از نگاه شهید بهشتی، تهران: انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۷۸)، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران: نشر معاصر.
- خامنه‌ای سیدعلی (۱۳۹۳)، رساله آموزشی، تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳)، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵)، بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره).

- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰)، *منهاج الصالحین (للخوئی)*، قم: نشر مدینه العلم.
- رستمی، مصطفی (۱۳۹۴)، *علل انقلاب در قرآن*، پایان نامه دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- رستمی، مصطفی (۱۳۹۵)، *الگوی انقلاب متعالی در آموزه‌های قرآنی*، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال پنجم، پائیز، شماره ۱۸.
- زمزم، علیرضا (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید محمدجواد باهنر*، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۲.
- زمزم، علیرضا (۱۳۹۱)، *انقلاب و انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید باهنر*، روزنامه رسالت، دوازدهم شهریور.
- الشیرازی، صدرالدین (۱۳۸۰)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- شیروانی، علی (۱۳۷۷)، *معارف اسلامی در آثار شهید مطهری*، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۰)، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، تهران: نشر تفاهم.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۱)، *برآمدن شیعه و تشیع*، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، *فقه سیاسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فارسی، جلال‌الدین (بی‌تا)، *فلسفه انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فیرحی، داوود؛ لک زایی، نجف (۱۳۸۷)، *فلسفه سیاسی اسلامی و پیشینه‌ها و تمایزها*، پگاه حوزه، شماره ۵۵.
- قاسمی، فرج‌الله (۱۳۸۸)، *ادله قرآنی ضرورت حکومت*، فصلنامه حکومت اسلامی، پاییز، شماره ۵۳.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
- محمد جواد، مغنیه (۱۴۲۴)، *تفسیر الکاشف*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مدرس، محمدتقی (۱۳۷۷)، *تفسیر هدایت*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷)، *آموزش فلسفه*، قم: شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *یادداشت‌های شهید مطهری*، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *آینده انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹)، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیه*، قم: نشر تفکر.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۰)، *ولایت فقیه (حکومت اسلام)*، بی‌جا: چاپ‌خانه بهمن.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۴)، *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱)، *البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجفی، محمدحسن بن باقر (بی‌تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- یزدی، محمد (۱۴۱۵)، *فقه القرآن*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.